

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

والنتین کاتاسانوف\* - (Valentin Katasonov)

برگردان از: ا. م. شیری

۱۰ جون ۲۰۱۸

## کیست آن - مافیای پشت صحنه

روند جهانی‌سازی در پایان قرن گذشته ناگهان شدت گرفت. در نگاه اول، جهانی‌سازی به مثابه مولود توسعه علوم، فن‌آوری، نیروهای مولده، پدیده‌عینی به نظر می‌رسید.

اما بررسی دقیق‌تر نشان داد، که جهانی‌سازی در امواج منافع ذهنی سرمایه‌فراملی پرورش می‌یابد. آن، به منظور برقراری سلطه جهانی خود به تقسیم و تقسیم مجدد جهان علاقه‌مند است. اما دولت‌های ملی مانع اصلی در راه آن هستند. روی دیگر سکه "جهانی‌سازی" عبارت است از "لیبرالی کردن". تلاش برای از میان برداشتن دولت‌های ملی که هنوز به نوعی بیانگر منافع جامعه هستند، در پشت نقاب لیبرالی کردن پنهان می‌شود. سرمایه‌فراملی و فراتر از فراملی که پایان یافتن لیبرالی کردن و نشستن آن به جای رژیم‌های تمامیت‌خواه یا دیکتاتوری را اعلام می‌کند، باید جایگزین دولت‌های ملی بشود. و سرمایه‌داری جای خود را به نظام برده‌داری جدید بدهد.

یکی از ابزارهای مهم سرمایه‌فراملی برای محدود کردن و در نهایت الغای دولت‌های ملی عبارت است از - "ISDS" حروف اختصاری کلمات انگلیسی "Investor-State Dispute Settlement"، که می‌توان به صورت حل و فصل مسائل مورد اختلاف بین اعتباردهنده و دولت معنی کرد.

ایده پیاده‌سازی حل و فصل مسائل مورد اختلاف بین اعتباردهنده و دولت در رابطه با سرمایه‌گذاران خارجی و دولت میزبان سرمایه‌گذاری در سال‌های ۷۰ - ۸۰ سده گذشته میلادی به وجود آمد. لزوم حراست از منافع سرمایه‌گذار غیربومی از آنجا ناشی شد که در برخی کشورهای در حال توسعه آن وقت، مواردی از فساد و دیگر موارد سوءاستفاده از سوی مقامات و حتی مقام اول دولت میزبان مشاهده شد. سیاستمداران، کارفرمایان، حقوقدانان و اقتصاددانان به این نتیجه رسیدند، که سرمایه‌گذاران خارجی باید نوعی ابزار دفاعی در مقابل مقامات متخلف در محل داشته باشند. در نتیجه، میان کمپانی‌های فراملی و کشورهای میزبان آنها توافقنامه به امضاء رسید (با آن کشورهایی که کمپانی‌های فراملی در آنجا به فعالیتهای تولیدی، بازرگانی، مالی و غیره مشغول هستند). با این حال، کمپانی‌های فراملی خیلی زود از حالت تدافعی به حال تهاجمی در آمدند. به مصداق ضرب‌المثل روسی: "خوک را به سر سفره دعوت کنی، وسط سفره می‌نشیند". سرمایه‌گذاران خارجی خیلی زود قیافه حق به جانب گرفتند و شرایط خود را به قوای مقتنه، اجرائیه و قضائیه کشور میزبان دیکته کردند.

بیشتر هم اتفاق افتاده بود، که بین سرمایه‌گذاران خارجی و کشور میزبان آنها برخی اختلافات بروز می‌کرد. مثلاً، اگر کشور وادار دارائی سرمایه‌گذار خارجی را با یا بدون جبران خسارت، ملی اعلام می‌کرد، که از نظر سرمایه‌گذار کافی نبود، در این صورت، اختلافات از طریق مذاکره بین دو کشور حل می‌شد. نمونه تاریخی آن، مذاکراتی بود که بین کشورهای آنتانت و روسیه شوروی در سالهای ۲۰ قرن گذشته در مورد خسارت وارده به سرمایه‌گذاران غربی به دلیل ملی کردن دارائی‌های خارجی‌ها انجام گرفت. مذاکرات حتی به برگزاری کنفرانس بین‌المللی جنوا انجامید (واقعیت این است که به سبب امتناع مسکو از پرداخت غرامت، کنفرانس هیچ سودی برای غربی‌ها نداشت).

اما در پایان قرن بیستم، زمانی که در قراردادهای دوجانبه بین دولتی رویکرد "ISDS" (حل و فصل مسائل مورد اختلاف بین اعتباردهنده و دولت) ثبت گردید، شکایت شرکتهای مختلف از کشورهای میزبان شروع شد. آنها در ادعانه‌های حداقلی خود خواستار تأدیه خسارت در قبال آن راه حل قانونی یا قضائی بودند (و می‌شوند)، که کار تجارت در کشور را پیچیده‌تر می‌کند. ولی در ادعانه‌های حداکثری، آنها خواستار لغو چنین تصمیم‌ها، مثلاً، قوانین شدند. موقعیت‌ها ممکن است کاملاً متفاوت باشند. به عنوان مثال، یک کشور در مورد حفظ محیط زیست قوانینی به تصویب می‌رساند، که کمپانی فراملی را به سرمایه‌گذاری بیشتر برای تکمیل تجهیزات ملزم می‌سازد. کمپانی فراملی می‌تواند یا پرداخت هزینه‌های متحمل را خواستار شود و یا الغاء قوانین را. مثال دیگر: یک کشور قوانینی در خصوص تعیین حداقل حقوق و دست‌مزدها و یا در هر مورد دیگر تصویب می‌کند که کمپانی فراملی را به تحمل هزینه اضافی به ازای استخدام نیروی کار بیشتر ملزم می‌سازد. واکنش غیربومی‌ها ممکن است باز هم خواست جبران "ضرر و زیان" یا لغو قوانین باشد. مثال سوم: قانونی در خصوص ممنوعیت تولید محصولات تصویب می‌شود که برای سلامتی مصرف‌کننده زیان‌آور است. شما چه فکر می‌کنید؟ در این مورد نیز که کمپانی فراملیتی چنین محصولاتی را تولید می‌کند، همین دو گزینه را در پاسخ به دولت میزبان ارائه می‌دهد. برشماری مثال‌ها را می‌توان ادامه داد. بنا به تجارب دو دهه اخیر، سرمایه‌گذاران خارجی ابزار دفاعی دیگری به دست آوردند و تحت عنوان "ISDS" (حل و فصل مسائل مورد اختلاف بین اعتباردهنده و دولت)، موقعیت خود را تحکیم بخشیدند. کارشناسان حقوقی کمپانی‌های بزرگ غربی تصویب هر گونه قانون در خصوص تشدید حفاظت از محیط زیست و تأمینات اجتماعی توسط دولت میزبان را به مثابه "تجاوز به حق حفاظت از سطح اولیه سود" و "شکل خاصی از سلب مالکیت" تعریف می‌کنند. اما از نقطه‌نظر کشورهای میزبان رویکرد "حل و فصل مسائل مورد اختلاف بین اعتباردهنده و دولت" تجاوز گستاخانه به حق حاکمیت ملی آنها شمرده می‌شود.

البته، در سال‌های ۹۰ سده گذشته سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و سازمان تجارت جهانی خواهان پایان دادن فوری به حق حاکمیت ملی بودند. آنها حتی طرحی برای امضای موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری چندجانبه بین کشورهای عضو سازمان‌های مذکور ارائه دادند.

در این سند آمده است، که سرمایه‌گذاران خارجی هیچ‌گونه محدودیتی در خرید و فروش دارائی‌ها، از جمله، زمین، منابع طبیعی، مؤسسات وابسته به زیرساخت‌های اجتماعی، آثار فرهنگی و تاریخی، رسانه‌های جمعی و غیره ندارند. به ویژه این که دولت‌های میزبان نباید در فعالیت‌های سرمایه‌گذاران خارجی در این موارد مداخله نمایند. وظیفه دولت میزبان عبارت است از تأمین "حداکثر شرایط لازم" برای کمپانی‌هایی فراملی در انجام فعالیت‌های تولیدی، بازرگانی و مالی. ایجاد هر گونه محدودیت به معنای تخلف دولت میزبان از تعهدات خود در مقابل سرمایه‌گذاران خارجی تلقی خواهد شد. در این صورت، کمپانی فراملی از حق خود برای اقامه دعوا به دادگاه علیه کشور استفاده خواهد کرد (رویکرد حل و فصل مسائل مورد اختلاف بین اعتباردهنده و دولت).

توافق‌نامه چندجانبه سرمایه‌گذاری در فضای محرمانه تهیه شد و امضای آن نیز بدون حضور رسانه‌های جمعی برنامه‌ریزی شده بود. ولیکن، در نتیجه "نشأت" بدون برنامه اطلاعات، مخالفان جهانی‌سازی به وجود سند پی بردند و رسوائی شروع شد. کار بر روی قرارداد متوقف گردید.

همراه با این، قراردادهای دوجانبه بین کشورها دایر بر اعطای "حق" نابودسازی حاکمیت ملی کشورهای میزبان به سرمایه‌گذاران خارجی در بازه زمانی ربع قرن اخیر بسیار منعقد شده است. تعداد آنها سر به صدا فقره می‌زند (بر اساس برخی ارزیابی‌ها، در حال حاضر تعداد آنها از سه هزار فقره بالاتر رفته است). شهروندان کشورهای میزبان حتی متوجه نیستند، که زندگی آنها بعد از این نه تنها به حاکمیت خود، بلکه، به تصمیم کمپانی‌های فراملی هم وابسته است. مراجعی که به شکایات کمپانی‌های فراملی رسیدگی می‌کنند، "دادگاه داوری" یا "دیوان محاکمات" نامیده می‌شوند. هیأت قضات دیوان محاکمات به طور معمول از "سه نفر" تشکیل می‌شود (درست مثل دادگاه‌های ما در سال‌های انقلاب و جنگ‌های داخلی در اوایل سده گذشته). یک نفر به نمایندگی از طرف شاکی - کمپانی فراملی، نفر دوم از طرف متشاکی - کشور میزبان و نفر سوم با توافق شاکی و متشاکی تعیین می‌شود. در دیوان محاکمات "ISDS" (حل و فصل مسائل مورد اختلاف بین اعتباردهنده و دولت) معمولاً حقوق‌دانان پیشتر شاغل یا در حال حاضر مشغول به کار در کمپانی‌های معظم شرکت می‌کنند. حق الزحمه برای هر پرونده سر به میلیون‌ها می‌زند. لازم است دو ویژگی دیگر "ISDS" (حل و فصل مسائل مورد اختلاف بین اعتباردهنده و دولت) را مورد توجه قرار دهیم:

اول - طرح شکایت معمولاً پس از اطلاع‌رسانی (اخطار) از سوی سرمایه‌گذار صورت می‌گیرد. در اخطاریه مهلتی تعیین می‌شود، که در آن مدت (مهلت ۹۰ روزه) پاسخگوی بالقوه (دولت) باید تدابیری ببیند تا کار به دادگاه نکشد. به لحاظ شکلی بسیار به اولتیماتوم شبیه است.

دوم - هم ارسال اخطاریه و هم کار خود دیوان محاکمات رسانه‌ای نمی‌شود (حتی گاهی اوقات به طور کلی محرمانه انجام می‌گیرد). به همین سبب، ما نقشه کاملی از گسترش "ISDS" در جهان در دست نداریم.

جهت تاریخ این "همکاری" بین‌المللی سرمایه‌گذاری را آژانس خبری "BuzzFeed News" امریکائی در سال ۲۰۱۶ روشن نمود. این خبرگزاری گزارش داد، که از آغاز دهه جاری بر اساس پرونده‌های تشکیل شده پیرامون مسائل مورد مناقشه سرمایه‌گذاری، رویکرد "ISDS" را رصد می‌کند. آن، تعداد چنین پرونده‌ها را ۳۰۰ فقره اعلام کرد. یک سال بعد گزارش داد که از وجود ۷۰۰ فقره از این پرونده‌ها اطلاع دارد. کارشناس "BuzzFeed News" توانست ۳۵ مورد از این رویدادها را عمیقاً مورد تحقیق و بررسی قرار دهد.

حیرت‌انگیز است، اما در تمامی این موارد سرمایه‌گذاران خارجی که به دیوان محاکمات شکایت کرده‌اند، به تخلف از قوانین ملی متهم شده‌اند (پول‌شوئی، اختلاس، تقلب در بازار، رشوخواهی، دلالی در جنگ و کلاهبرداری).

بسیاری از کارکنان کمپانی‌ها تحت بازجویی بوده‌اند یا به زندان افتاده‌اند. با این حال، شکایت سرمایه‌گذاران حاوی درخواست لغو حکم دادگاه و پرداخت غرامت هنگفت بوده است. کار برخی دادگاه‌ها در زمان انتشار مقاله "BuzzFeed" خاتمه یافته، اما به نظر بعضی‌ها احکام دادگاه هنوز صادر نشده است.

قابل تأمل این است، که دادگاه‌ها از همان روز نخست آغاز کار خود، توقف تصمیمات کشورهای میزبان را درخواست می‌کنند. ولیکن اگر کارکنان کمپانی زندانی شوند، حاکمیت موظف است آنها را در مدت برگزاری دادگاه آزاد نمایند.

شرکت‌کنندگان دادگاه‌های "سه نفره" معمولاً عجله نمی‌کنند، زیرا، به تناسب مدت زمان دادرسی، حق‌الزحمه خوب دریافت می‌نمایند. کمپانی فراملی نیز کاملاً راضی هستند، زیرا، تصمیمات دولت در دوره برگزاری دادگاه متوقف می‌شود. اما زمانی که کار به هر حال به پایان می‌رسد، اغلب احکام دادگاه به نفع سرمایه‌گذار صادر می‌شود. دعوی قضائی بین بانک دویچه بانک و حاکمیت سری‌لانکا را می‌توان به عنوان نمونه ذکر کرد. مضحکه سه سال تمام طول کشید (۲۰۰۹ - ۲۰۱۲) و در نهایت به نفع شاکی تمام شد. حاکمیت می‌بایست مبلغ ۶۰ میلیون دلار غرامت به بانک (طبق شکایت)، به اضافه ۸ میلیون دلار به عنوان هزینه دادگاه بپردازد.

حادثه دیگری در السالوادور، کشوری که کمپانی بین‌المللی "OceanaGold" سالهای زیادی در آن مشغول به کار بود و به فعالیت خود همچنان ادامه می‌دهد، رخ داد. این کمپانی برای استخراج طلا از سیانید (cyanide) سمی استفاده می‌کند، که آن هم رود ریولمپا را آلوده می‌کند. این رود آب بیش از نیمی (بیش از سه میلیون نفر) از جمعیت السالوادور را تأمین می‌کند. هم حاکمیت و هم جمعیت السالوادور به فعالیت‌های این کمپانی اعتراض نمودند. اما اعتراضات بدانجا ختم شد، که "OceanaGold" طی شکایتی از دولت السالوادور ۳۰۰ میلیون دلار (معادل نصف بودجه سالانه کشور) ادعای غرامت کرد. بنا به ادعای کمپانی، در نتیجه اعتراضات، شرکت متضرر گردیده، حیثیت و اعتبارش خدشه‌دار شده است. کمپانی سخاوتمندانه اعلام کرد، که اگر حاکمیت "به نآرامی‌ها خاتمه دهد"، حاضر است شکایت خود را پس بگیرد.

و این هم نمونه کاربست رویکرد "ISDS" (حل و فصل مسائل مورد اختلاف بین اعتباردهنده و دولت) در کشورهای امریکای لاتین. علیه ونزوئلا در مجموع ۳۶ فقره شکایت به ساختار ارائه شد (بزرگترین آنها پرداخت ۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار غرامت به کمپانی موبایل بود). کمپانی امریکائی اکسیدنتال پترلیوم شکایتی به مبلغ ۱ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار علیه دولت اکوادور ارائه داد.

۲۸ جون سال ۲۰۱۶ کمپانی نفتی کایرن انرژی انگلستان طبق موازین "ISDS" ادعای قضائی علیه دولت هند را شروع کرد (تا این وقت در مدت دو سال کمپانی سعی کرد اعتراض خود را از راه توافق غیررسمی به کرسی بنشاند). کمپانی انگلیسی به دلیل تغییر قانون مالیات هند، مبلغ ۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار غرامت از پاسخگو درخواست نمود.

نمونه‌های زیاد دیگری هم می‌توان برشمرد. لازم به ذکر است، که اغلب اوقات کار به بررسی قضائی در محاکم نمی‌کشد.

وکلائی رسیده (بالغ) که در اثر کار بر روی شیوه "ISDS" تجارب غنی اندوخته‌اند، قادر به تنظیم چنان اولتیماتوم‌هایی (اخطار قبلی دایر بر طرح ادامه دعوا) هستند که دولت‌ها را به تسلیم فوری وادار می‌کنند.

گفتیم که رویکرد "ISDS" تا روز امروزی در شمار زیادی از توافقنامه‌های دوجانبه ثبت شده است. اما چندجانبه‌ها هم وجود دارند. توافقنامه تجارت آزاد امریکای شمالی - ناافتا (NAFTA) مشهورترین آنهاست.

دایره سوالات تنظیم شده توسط "ناافتا" بسیار وسیع‌تر از آن است که از عنوان سند ایجاد می‌شود. علاوه بر تجارت کالا و خدمات این نیز یک دفاع از مالکیت معنوی، سرمایه‌گذاری، مهاجرت نیروی کار و، مهمتر از همه، مکانیزم حل و فصل شکایت، حل اختلافات در حوزه بازرگانی، سرمایه‌گذاری و مالکیت معنوی می‌باشد.

توافقنامه از ۲۴ سال قبل (از اول جنوری سال ۱۹۹۴) معتبر است و، همانطور که معلوم شد، به طور کلی باب طبع رئیس جدید کاخ سفید -دونالد ترمپ نیست. تا زمانی که همسایگان امریکا با ایجاد تغییرات جدی در سند موافقت نکنند، او برای پاره کردن این توافقنامه آماده است.

رسانه‌ها توجه خود را روی آن متمرکز کردند و همچنان می‌کنند، که عدم تعادل بازرگانی با همسایگان خوشایند دونالد ترامپ نیست و همچنین این واقعیت که محل اشتغال بسیار زیادی همراه با صدور سرمایه از آمریکا به کانادا و به ویژه، به مکزیک خارج می‌شود. اما در هفته‌های اخیر معلوم گردید، که بیش از همه مفاد مرتبط با "ISDS" مندرج در "نافتا" ترامپ را تحریک می‌کند.

معلوم می‌شود این مکانیزم‌های حل اختلافات سرمایه‌گذاری که ربع قرن پیش در سند ثبت شده و بند مرتبط آن با "ISDS" در "نافتا" همواره موجب نگرانی بسیاری از مقامات و مأموران آمریکا بوده است.

جان رابرت رئیس دیوان عالی آمریکا طی وخواست خود که تقریباً مورد توجه قرار نگرفت، هشدار داد که دادگاه داوری سرمایه‌گذاری مندرج در نافتا و سایر توافقنامه‌های بین‌المللی با شرکت ایالات متحده آمریکا، دارای قدرت کاملاً خطرناک برای بازنگری قوانین دولتی و "الغای عملی مصوبات قوای مقننه، اجرائیه و قضائیه کشور می‌باشد". او اظهار داشت: قضات "ISDS" می‌توانند در هر نقطه دنیا با هم ملاقات نمایند و در مورد کار مستقل دولت‌ها تصمیم بگیرند".

امریکا تا کنون شانس آورده، که سرمایه‌گذاران خارجی علیه حاکمیت ایالات متحده شکایت بزرگی نکرده‌اند. اما وکلای امریکائی شاغل در دولت عقیده دارند، که این فقط یک خوش‌شانسی است. بازی با آتش جایز نیست. با وجود این، واشینگتن به بازی با آتش ادامه داد.

خوب به خاطر داریم، که بارک اوباما رئیس جمهور قبلی آمریکا با توسل به هر وسیله‌ای دو توافقنامه بزرگ تهیه کرد - مشارکت سرمایه‌گذاری و بازرگانی دو سوی اقیانوس اطلس و همکاری تجاری دو سوی اقیانوس آرام. قرارداد دوم حتی در ماه فبروری سال ۲۰۱۶ امضا شد و تصویب آن در نظر گرفته شده بود (مجموعاً ۱۲ کشور، از جمله، ایالات متحده آمریکا).

مذاکرات پیرامون توافقنامه اول با واشینگتن با ورود ترامپ به کاخ سفید متوقف گردید. اما ایالات متحده آمریکا از توافقنامه دوم خارج شد. به خصوص این که مسائل مربوط به "ISDS" در هر دو قرارداد بسیار مورد توجه قرار گرفته بود.

امروز معلوم می‌شود، که مخالفان این دو قرارداد در داخل آمریکا بسیار قوی بودند. جوزف استیگلیتز، برنده جایزه اقتصادی نوبل، لورنس ترایب، اقتصاددان هارواردی و سایر دانشمندان سرشناس در سال ۲۰۱۶ از نمایندگان کنگره درخواست نمودند که از "ISDS" در توافقنامه‌های همکاری سرمایه‌گذاری و بازرگانی دو سوی اقیانوس اطلس و مشارکت تجاری دو سوی اقیانوس آرام جلوگیری نمایند.

آنها هشدار می‌دهند "ISDS": معیارهای دموکراسی را تضعیف می‌کند تا جایی که قوانین و محدودیت‌ها وضع شده توسط منتخبین را در معرض خطر قرار می‌دهد". اما به لطف رسانه‌های تحت امر کمپانی‌های فراملی، صدای مخالفان امریکائی شنیده نشد.

به عقیده کارشناسان امریکائی تشکیل "همکاری دوسوی اقیانوس آرام" به معنای "کودتای مشارکتی" بود. برای این که فقط ۲ ماده از ۲۶ ماده قرارداد تشکیل همکاری دو سوی اقیانوس آرام به نوعی با بازرگانی ارتباط دارد و بخش بزرگ توافقنامه "حقوق و امتیازات جدیدی به کمپانی‌های جهانی، به خصوص در رابطه با مالکیت معنوی) قانون حقوق مؤلف و ثبت اختراع (و همچنین، محدودسازی حل و فصل دولتی اعطاء می‌کند".

ظاهراً، توافقنامه تشکیل "همکاری دوسوی اقیانوس آرام" دومین تلاش کمپانی‌های فراملی برای امضای قراردادهای چندجانبه‌ای بود که در آنها حقوق ویژه‌ای برای سرمایه‌های خصوصی بزرگ در نظر گرفته شده بود. از جمله، حق به زیر سؤال بردن و الغای آن قوانین و تصمیمات دولتی که "رقابت بین‌المللی کمپانی‌های فراملی را تضعیف می‌کنند".

ترمپ در جبهه مخالفان "ISDS" به مثابه تهدید واقعی حاکمیت ملی امریکا جای گرفت. او حتی در دوره مبارزات انتخاباتی خود در سال ۲۰۱۶ وعده داد، که همه قراردادهای بازرگانی و سرمایه‌گذاری چندجانبه با شرکت ایالات متحده امریکا را دفن خواهد کرد. نمی‌دائم به طور اتفاقی بود یا غیراتفاقی، اما انتشار مطالب با موضوع "ISDS" توسط بنگاه خبری "Buzzfeed News" در گرماگرم کارزار انتخاباتی او در تابستان پیرارسال روی داد.

در حال حاضر واشینگتن به پایان کار بر روی بازرنگری قرارداد نافتا نزدیک می‌شود. اما یک مانع دیگر باقی می‌ماند. ترمپ تحت هیچ شرایطی حاضر نیست مفاد "ISDS" را به قرارداد نافتا اضافه نماید. ترمپ می‌خواهد امریکا را خودش اداره کند و مایل نیست آن را در اختیار وکلای پشت صحنه و کمپانی‌های فراملی قرار دهد.

همانطور که کارشناسان و روزنامه‌نگاران "Buzzfeed News" خاطرنشان می‌سازند، وکلای تصمیم‌گیرنده در مورد مسائل مربوط به "ISDS"، حقوق‌دانان عضو باشگاه بسته‌نخبگان هستند، که می‌توانند در هر گوشه جهان دیدار کنند و شرایط را به کشور های مستقل دیکته نمایند.

در حاشیه باریک آنها را مافیای جهانی -جاده صافکن "صاحبان پول" (سهامداران اصلی بانک فدرال رزرو امریکا) به سوی حاکمیت جهانی می‌نامند.

\*- پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی "شاراپوف" روسیه، کارشناس مسائل پشت صحنه

<http://www.sovross.ru/articles/1699/39678>

۱۹ خرداد - جوزا ۱۳۹۷